

جنبه های کلیدی رویارویی هند و پاکستان در میهن عزیز ما آشفته گی وضعیت و سردرگمی بازیکنان جهانی و منطقوی نظام بین الملل مدرن و مشخصه های نظم چند قطبی

توزیع قدرت و چگونگی جایگاه کشورها
تعیین هنجارها توسط قدرت های بزرگ
افراطیت و سیاستگذاری در پاکستان
فروپاشی ساختاری

رویارویی کشورها چه در عرصه بین المللی و چه در عرصه منطقوی، اغلب تحت عنوان "تنشهای ژئوپولیتیک" شناخته می شود که دربرگیرنده طیف گسترده ای از اقدامات سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیک می باشد. در جهان در حال گذار کنونی، این رویاروییها دیگر تنها بجنبه های فزیک محدود نشده و بیشتر بسمت شیوه های غیرمستقیم و ترکیبی حرکت کرده اند. بر بنیاد تحلیلهای موجود، چگونگی رویارویی کشورها را می توان در مجموع محورهای زیر ذیل خلاصه نمود: رویارویی اقتصادی و تکنولوژیک، مهار قدرت اقتصادی، جنگ تکنولوژیک، تحریم ها و محدودیت های تجاری، رویارویی راهبردی و نظامی، نبرد ترکیبی، امنیت سازی مناطق بحران، شکل گیری بلوک بندی ها، رویارویی ایدئولوژیک و سیاسی، جنوب جهانی و بازگشت ب قدرت، تغییر نگرشهای دیپلوماتیک رویارویی تنها بمعنای جنگ نبوده بلکه در برگیرنده موازنه و شامل تغییر سیاستهای کلان بگونه نمونه، از رویکرد امنیتی به رویکرد مشارکتی بمنظور مبارزه با چالش ها می باشد.

بارتباط موضوع مورد بحث کنونی، یاددهانی این امر لازمی پنداشته میشود که بمنظور چگونگی بررسی پهلوهای پیدا و ناپیدای رویارویی ها و تقابل منافع کشورهای هند و پاکستان و نوع موضعگیری آنها در قبال قضایای کشور عزیز ما، به مفهوم اخص کلمه و تحقیق و بررسی روابط و مناسبات کشورهای یادشده، بمفهوم اعم کلمه، بویژه از نقطه نظر تاریخی دشوار بوده و اما قبل از همه، تذکر این مسأله، بویژه در وضعیت و شرایط امروزی در خورتأمل پنداشته می شود که بررسی پس منظر و تحقیق جنبه های کلیدی رویارویی های هند و پاکستان، در دستور روز قرار می گیرد. در دهه های پسین، شاهد تشنج فزاینده مناسبات بین دو کشور یادشده بوده ایم که منتج به درگیری های مسلحانه دهلی و اسلام آباد گردیده است. قابل یاددهانی پنداشته می شود که حملات تروریستی در هند، بدلیل عوامل متعددی، از جمله فشارهای ایالات متحده بر مقامات هر دو کشور، به درگیری های مسلحانه منجر نگردید، اما نباید فراموش نمود که چرخش وقایع و چگونگی سیر حوادث، بگونه مشترکی، هم هند، هم پاکستان و هم ایالات متحده را در موقعیت نهایت حساسی قرار داد. اما این مسأله قابل تذکر پنداشته می شود که شعله ور گردیدن و تداوم جنگ و درگیری های تمام عیاری علیه "طالب های پاکستانی"، بویژه در مناطق شمالغربی پاکستان، در همکاری نزدیک و تنگاتنگ با امریکایی ها، بگونه جدی منفور پنداشته شده که در نوع خود، به گسترش ساحه نفوذ و تأثیرگذاری بنیادگراها منجر گردید. چه، همین اکنون زمره های "طالبانی شدن پاکستان" بگوش می رسد. اما در مورد قابل اعتماد بودن مراجع اطلاعاتی پاکستان که برخی از آنها مظنون به همکاری مخفیانه با اسلامگرایان و حمایت از "طالب"ها میباشند، عدم اطمینان وجود دارد. سرو

صداهایی نیز مبنی بر اینکه برخی از مقامات نظامی و اطلاعاتی پاکستان، اصلن علاقه ای بایجاد ثبات در کشور عزیز ما افغانستان ندارند، موجود می باشد. اینهم نیز بگوش می رسد که اخراج کامل "طالب"ها از سرزمین و اراضی متعلق بافغانستان می تواند باتحاد و همبستگی بیشتر افغانستان و هند علیه پاکستان منجر گردد. وضعیت پیچیده اینچنینی که در آن نه تنها منافع افغانستان، هند و پاکستان، بلکه منافع ایالات متحده (که با صراحت، پاکستان را بمثابة خطرناکترین مکان در جهان می پندارد)، نیز در هم تنیده شده است کاین خود پرسش های متعددی را ببار می آورد. اما این واقعیت را نباید هیچگاهی فراموش نمود که بوضعیت سیاسی داخلی پاکستان و اقدامات احتمالی محافل حاکم هند و پاکستان در صورت تداوم درگیری و جنگ با "طالب های پاکستانی" و تحریک احتمالی اسلام گرهای جدید، باید توجه جدی مبذول گردد. اما بایست یاددهانی بعمل آورد که هدف از نیشته حاضر، بررسی و مطالعه روابط بین دو قدرت هستوی در جنوب آسیا، یعنی بین هند و پاکستان و تأثیر درگیری های مسلحانه در کشور ما برگفتگوهای بین کشورهای یادشده می باشد. در لابلای نیشته حاضر، نقش سلاح های هستوی در منازعه هند و پاکستان تمرکز گردیده است، همچنین، وضعیت مناطق مرزی پاکستان در مجاورت با کشور عزیز ما افغانستان (مناطق تحت مدیریت فدرال) و مناطق و محلات مرزی شمالغربی بر اوضاع سیاسی داخلی پاکستان مورد بررسی قرار داده شده است، از جمله:

- انجام یک تحلیل تاریخی از مشکل و معضل توسعه و گسترش سلاح های هستوی در جنوب آسیا؛
- تحلیل تاریخی از وضعیت مناطق و محلات مرزی کشور عزیز ما افغانستان با پاکستان و تأثیر آن بر اوضاع داخلی آسیا سی پاکستان و توسعه روابط بین هند و پاکستان؛
- مفهوم جدید و اشنگن در مورد افغانستان و پاکستان (ستراتژی جامع افغانستان و پاکستان) و موضعگیری های کارشنا سان غربی در مورد.

قابل تذکر پنداشته می شود که مناقشه بین هند و پاکستان، بویژه پس از کسب استقلال کشورهای یادشده تا کنون ادامه دا رد. وضعیت در منطقه، بویژه تحت تأثیری ثباتی در سرزمین و قلمرو متعلق به پاکستان که با کشور عزیز ما افغانستان هم مرز میباشد، از جمله مناطق قبیله یی فدرال و ایالت های مرزی شمالغربی قرار دارد، بیش از هر زمان دیگر متشنج گردیده است. بی ثباتی و ستیزه جویی در منطقه، ناتوانی یا عدم تمایل دولت پاکستان بمنظور نظارت بر سرزمین های یا د شده، از جمله دلایل شکل گیری وضعیت ناپایدار و بی ثباتی گسترده در منطقه گردیده است. اما یاددهانی بعمل می آید که ویژگی های منابع مستند تحقیق و بررسی با پیچیدگیهای مطالعه مشکلات روابط بین الملل مدرن بمفهوم عام کلمه و با موضوع مورد بحث نیشته حاضر بمفهوم خاص کلمه مرتبط می باشد.

بخاطر ما باشد که از یک جهت، تأکید بر موجودیت تعداد بیشمار اسناد موجود در کتابخانه های عمومی، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد و از جانب دیگر، عمدتن در ویب سایت های رسمی کشورهای هند و پاکستان و مراکز تحقیقاتی نیز بهمان اندازه مهم بود. از جانب دیگر، در نظر گرفتن پیچیدگی های اسناد اینچنینی و همچنین گزینشی بودن ارائه آنها نیز مهم می باشد.

با اینهمه، منابع موجود در دسترس عموم، این امکان را فراهم می نماید تا مشکلات و چگونگی معضلات وضعیت نظا می - سیاسی، بویژه در امتداد دهه های پسین در منطقه شامل کشور عزیز ما افغانستان، هند و پاکستان را مورد بررسی موشگافانه قرار دهیم. بخش قابل توجهی از مطالب و مسایل مطرح بر بنیاد انتشارات مطبوعات انگلیس، فرانسه، آلمان و روسیه می باشد.

مستندات موجود، بمثابة مجموعه ای از مطالبی بشمار می آید که بگونه تقریبی می توان آنها را به بخش های ذیل تقسیم نمود:

- اسناد رسمی ارائه شده در ویب سایت های وزارتخانه های امور خارجه افغانستان، هند و پاکستان و نهادهای وابسته بآنها و اسناد منتشر شده در مجموعه های رسمی؛
- مطبوعات انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و روسی؛
- منابع اطلاعاتی و تحلیلی بزبان های انگلیسی و روسی.

منابع یادشده در برگیرنده بخش های قابل توجهی از نیشته حاضر را تشکیل داده و شامل اسناد مختلفی می باشد. از جمله موارد قابل توجه می توان به توافقنامه ها، معاهدات، بیانیه های مشترک هند و پاکستان، اسناد مربوط به دکترین ها و مواضع دفاعی هند و پاکستان، بیانیه هاوسخترانی های مقامات دولتی و نماینده های رسمی و مطالب و اسناد منتشر شده در ویب سایت های رسمی دولت های افغانستان، هند و پاکستان و ایالات متحده اشاره نمود.

وسيله اصلی دسترسی به منابع ذکر شده، اینترنت و عمدتن، ویب سایت های رسمی وزارت امور خارجه هند، ویب سایت

سفارت هند در ایالات متحده و وبسایت دولت افغانستان می باشد. همچنان رسانه های امریکایی که توسعه روابط و مناسبات هند و پاکستان و چگونگی عملیات های ناتو در کشور ما را پوشش می دادند، همچنین روزنامه ها و نسخه هایی از آنلاین واشنگتن پست، نیویارک تایمز و انترنشنل هرالد تریبون هستند. علاوه برین، از مطالب چندین نشریه روسی در تهیه و تدوین نبشته حاضر، استفاده بعمل آمده است. مطالب و مسایل مطبوعاتی، امکان اصلاح کار را فراهم می نمایند. در این مورد، مصاحبه ها، سخنرانی ها و مقالات مقامات برجسته دولتی افغانستان، هند، پاکستان و ایالات متحده در مدت زمان های مختلف مورد توجه ویژه قرار داده شده که در کنار سایر مسایل موجود، همچنان آموزنده باقی می ماند.

همچنین قابل تذکر پنداشته میشود که تولید سلاح های هستوی در هند و پاکستان، نتیجه منطقی رویارویی های چند دهه بی بین این دو کشور بود. اینکه کدام یک از آنها "مسابقه تسلیحات هسته یی" را آغاز نمود، چندان مهم نمی باشد، تلاش ها بمنظور مشخص نمودن اینکه کدام طرف مقصر پنداشته می شود، کدام کشور آنرا آغاز نمود و کدام کشورها صرفن واکنش نشان دادند، بی فایده بنظر میرسد. این دقیقن همان چیزی بود که باید اتفاق می افتاد. بخاطر ما باشد که در امتداد سال های پسین، وضعیت در مجموع دستخوش تحولاتی گردید. واقعیت امر اینست که پاکستان همچنان که درگیر رویا رویی دیرینه با هند می باشد، بگونه ناخواسته در درگیری "طالب"ها و اداره اسلام آباد نیز دست و پنجه نرم مینماید. درگیری نامتقارنیکه شامل عملیات مسلحانه گسترده در مناطق شمالغربی پاکستان و حتا در داخل اراضی قلمرو مربوط به کشور عزیز ما میباشد. "طالب"ها که دور نخست حاکمیت شان در کشور، توسط امریکایی ها و بکمک و حمایت "اتحاد شمال" سرنگون گردید، با وجود شکست و تحمل تلفات جانی و مالی قادر گردیدند تا قدرت قبلی خویش را بازیابی کنند، برین بنیاد در مناطق قبایلی دوطرف خط دیورند و بویژه در مناطق شمالغربی پاکستان پناه گرفتند. آنها از این واقعیت که دولت ضعیف و نامحبوب کرزی، حتا با حمایت های همه جانبه نظامیان ناتو قادر به تحکیم ثبات در کشور نگردید، تلاشهایی را بمنظور تثبیت مجدد سلطه شان در افغانستان از سر گرفتند. ایالات متحده بدلائل نمادین از قبیل چگونگی سازماندهی و اجرای حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که گویا توسط "القاعده" سازماندهی شده و مراکز عملیاتی آن در افغانستان تحت حاکمیت "طالب"ها مؤقعیست داشت و بویژه یکی هم اینکه ایالات متحده دلایل عملی نیاز به پیروزی درین جنگ را داشت و نظارت بر ترافیک هیدروکاربن ها در منطقه وسیعی که در برگیرنده آسیای مرکزی نیز می گردید، ضروری و لازمی می پنداشت. بخاطر ما باشد که سومین شکست ایالات متحده در آسیا (بویژه پس از ویتنام و عراق)، بشکلی از اشکال نشاندهنده تضعیف همه جانبه توان ژئوپولیتیکی ایالات متحده پنداشته می شد که خود برای اداره واشنگتن بمفهوم نخستین و در عین حال بزرگترین شکست در مقیاس جهانی محسوب گردید. اما از آنجا که بمنظور شکست "طالب"ها، باید به از بین بردن پایگاهها و مراکز آنها در داخل اراضی متعلق به پاکستان، اقدام می گردید، برین بنیاد، مداخله مستقیم نظامی ایالات متحده در پاکستان، بدلائل سیاسی، یعنی تبدیل پاکستان از متحد کلیدی دشمن ایالات متحده و انفجار احساسات ضد امریکایی در سراسر جهان اسلام، منتفی پنداشته شد. بنابراین، بار اصلی مبارزه با "طالب"ها بر عهده نظامیان پاکستان قرار داده شد.

در وضعیت و شرایط اینچنینی، واشنگتن از تدوین یک "ستراتژی جامع" جدید در مورد افغانستان و پاکستان خبر داد. در ایالات متحده، کشور ما و پاکستان تحت نام "اف - پاک" مسمأ گردیده که منابع عظیمی را بمنظور توسعه اقتصادی - اجتماعی هر دو کشور اختصاص داده و در عین زمان، اداره واشنگتن اعلام نمود که استفاده و بکارگیری تلاش های مشترک، جنگ را باید به پیروزی منتهی نماید.

اما واقعیت امر اینست که اداره اسلام آباد، بویژه در امتداد زمانی ۷۰ سال بر اصل مبارزه با دشمن اصلی اش، یعنی هند تمرکز نموده بودند و انجام عملیات در مناطق شمالغربی پاکستان علیه "طالب"ها را بمثابة عامل تشویش و حواس پرتی غیر لازمی و غیر ضروری در قبال تمرکز بر هند می پنداشتند.

بر بنیاد اطلاعات مؤثق، برخی از افسران اطلاعاتی پاکستان، در امتداد چندین سال بگونه متواتر و پیاپی، سازمان های اسلامی را که بمنظور "آزادی کشمیر" می جنگیدند، کمک و معاونت نموده و سپس بحمايت از همفکران جدید خود، یعنی "طالب"ها مبادرت ورزیدند.

اما جنگ و درگیری های مسلحانه، بویژه در مناطق و بخش های شمالغربی پاکستان علیه "طالب"ها در داخل کشور یاد شده از محبوبیت آنچنانی برخوردار نبوده و خسارات و فجایع عظیم و گسترده ای برای باشنده های مناطق مرزی ببار آورد. بسیاری از باشنده های محلی که در نتیجه بمباردمان های ایالات متحده توسط پهبادها منازل شان با خاک یکسان گردیده و محلات بودوباش شان تخریب گردید، بمنظور حفظ زندگی خود و خانواده های شان و بخاطر مصون ماندن از حملات و یورش های "طالب"ها که بگونه فزاینده ای با مصونیت از مجازات به تخریب محلات بود و باش شهروندان

کشور یادشده مبادرت می ورزیدند، بمناطق دیگر پاکستان فرار نمودند. دولت پاکستان که بمنظور یافتن راه حل برای وضعیت دشوار پیش آمده، در مانده شده بود، این "طالب" ها بودند که به یاری آنها شتافته و به دره "سوات" حمله نمودند که بخودی خود، بمثابه تهدیدی به سایر مناطق پاکستان پنداشته می شد. نظامیان پاکستان برای نخستین بار، پاسخ محکمی بانها دادند. با اینحال، پیشبینی هایی در مورد انجام اقدامات قا طعانه "طالب" ها در پاکستان غیر ممکن بنظر می رسید. اما هرچه اقدامات نظامی و فعالیت های مسلحانه در مناطق شمالغربی گسترده تر گردیده و تعداد بیشتر غیر نظامیان بخاک و خون غلتیدند، در چنین وضعیتی، جنگ در پاکستان نا محبوب گردیده و اسلام گراها نیز هار تر شده و دولت ضعیف کنونی نیز تمامی اقتدارش را بقمار گذاشته و سراسر کشور پاکستان در بی ثباتی فرو خواهد رفت.

عامل یادشده همچنین به بن بست موجود بین هند و پاکستان، بمثابه هیزمی بود که بر آتش اختلافات کشور های یادشده علاوه گردید. گروه های تروریستی اسلام گرا در پاکستان ("مبارزان آزادیبخش کشمیر") وضعیت جدید پیش آمده را بمثابه فرصتی بمنظور ایجاد تنش در روابط و مناسبات بین دو قدرت هستوی وحتا بمثابه تحریک یک جنگ تمام عیار مشاهده نمودند.

در نهایت امر بمثابه نتیجه گیری متذکر باید گردید که بر بنیاد وقایع و حوادث اتفاقیه سالروان، رویارویی هند و پاکستان در کشور عزیز ما افغانستان، از یک جنگ نیابتی بمرحله فعال یک بحران منطقوی مبدل گردید، جایی که میهن عزیز ما بعرصه ای برای اقدامات مستقیم مسلحانه پاکستان علیه بازیگران غیر دولتی تبدیل شدونفوذ هند وحضور دیپلماتیک و بویژه مناسبات اقتصادی نیز تغییر شکل داده و دستخوش تحول گردید. الی بهار سالروان، پاکستان عملن اقدامات و عملیات های مسلحانه ای را علیه حاکمیت "طالب" ها در کشور براه انداخته و "جنگ آشکار" وتشدید تنش ها را بیش از هر زمان دیگر دامن زد. پاکستان حملات هوایی علیه اهدافی در کابل و ولایت های ننگرهار و پکتیا، گویا علیه مخفیگا های "طالب های پاکستانی" انجام داد. پاکستان که دهه ها از "طالب" ها حمایت و پشتیبانی بعمل می آورد، نفوذ خود را بر آنها از دست داده وبدلیل حمایت و جانبداری "طالب" ها از "تحریک طالب های پاکستان"، از یک میانجی کلیدی بمثابه دشمن مستقیم حاکمیت "طالب" ها مبدل گردید که این را می گویند شمارش معکوس. اما هند از بی ثباتی موجود بمنظور تقویت روابط و مناسبات با حاکمیت "طالب" ها در کابل، از قبل ارائه کمک های بشردوستانه و اجرأی برنامه های زیربنایی در کشور ما استفاده بعمل آورده وبدنبال جلوگیری از نفوذ و محدود نمودن ساحه و شعاع تأثیرگذاری پاکستان در منطقه بمفهوم وسیع کلمه و در کشور عزیز ما افغانستان بمفهوم محدود کلمه و تضمین امنیت خودش می باشد. اختلافات ارضی بدلیل عدم برسمیت شناختن "حط دیورند" توسط "طالب" ها بمثابه مرز رسمی افغانستان با پا کستان، رو بافزایش بوده و منجر به درگیری های مرزی مداومی گردیده است. رهبران پاکستان که با تهدیدهایی از هر دو طرف مواجه می باشند، در حال بررسی امکان استفاده وبکارگیری از سلاح های هسته یی بمنظور حفظ تمامیت خود می باشند. کشور عزیز ما افغانستان از صحنه جنگ سرد بین هند و پاکستان به منطقه داغ بی ثباتی مبدل گردیده است، جایی که پاکستان بگونه ناموفقی در تلاش بمنظور تداوم مبارزه با تروریزم، آنهم در سرزمین و اراضی خارجی می باشد، در حالی که هند ساحه نفوذش را وسعت بخشیده وبه تقویت مواضعش می پردازد.

یکشنبه ۱۳ ماه ثور سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۳ ماه می سال ۲۰۲۴ ترسای